

بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)

جعفر هزار جریبی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی یکی از مهمترین موضوعات سیاست‌های رفاهی با عنوان احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن می‌پردازد. در پژوهش حاضر جهت سنجش میزان احساس عدالت اجتماعی (متغیر وابسته تحقیق)، از دو متغیر "عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای" استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل سه شهروندان منطقه ۳، ۱۰ و ۱۸ تهران است. برای گردآوری اطلاعات میدانی از تکنیک پرسشنامه استفاده گردیده و تجزیه و تحلیل‌ها داده‌ها در محیط spss نشان می‌دهد که میزان احساس عدالت در بین ۴۰ درصد از پاسخگویان در حد کم و خیلی کم می‌باشد و در مقابل در بین ۱۱ درصد در سطح بالا و در نهایت در بین ۴۹ درصد از پاسخگویان احساس عدالت در سطح متوسط (بینابین) است. اما عوامل تبیین‌کننده رفاه بر طبق مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای "اعتماد به کارایی مسئولین (با ضریب ۰/۵۷)، دینداری (با ضریب ۰/۲۰)، مقایسه خود با دیگران (با ضریب ۰/۱۶)، احساس امنیت (با ضریب ۰/۱۰)" دارای تأثیر افزایش‌دهنده بر میزان احساس عدالت در بین افراد می‌باشند، و اما متغیرهای احساس بیگانگی (با ضریب ۰/۰۹-)، و منطقه مسکونی (نیز با ضریب ۰/۰۹-) دارای تأثیر کاهش‌دهنده بر میزان احساس عدالت می‌باشند. در مجموع، متغیرهای مذکور توانسته‌اند ۵۳ درصد از تغییرات متغیر احساس عدالت را تبیین کنند. و به عبارت دیگر این یافته نشان می‌دهد که تغییرپذیری بالای ۵۰ درصد از میزان احساس عدالت اجتماعی تابع متغیرهای فوق می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، دینداری، اعتماد به مسئولین، احساس بیگانگی اجتماعی و تقدیرگرایی

مقدمه

عدالت؛ از مهمترین واژه‌ها در قاموس تمدن بشری، محسوب می‌گردد و رعایت آن از دیدگاه هر انسان سلیم الفطره‌ای، از ضروری‌ترین امور به شمار می‌آید. به طوریکه هیچ انسانی (هر چند خود، ستمکار باشد) این موضوع را مورد انکار قرار نمی‌دهد. عدالت در قرآن کریم یکی از هدفهای اصلی بعثت انبیاء قلمداد شده است. قرآن با صراحت به برقراری عدل در میان انسانها اشاره می‌کند. در این باره می‌فرماید «ما فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم». در قرآن میزان، یعنی قوانین و مقررات عادلانه، برای این که همه افراد بشر به عدالت رفتار کنند و اصل عدالت در میان بشر برقرار گردد (لیقوم الناس بالقسط).

احساس عدالت یکی از شاخصهای اصلی رفاه اجتماعی در دنیای امروز می‌باشد. احساس عدالت را در قالب رفاه از دو بُعد در نظر می‌گیرند از یک زاویه آن را در قالب فردی، اجتماعی و سیاسی (عملکرد مسئولین و سازمانها) تقسیم بندی می‌کنند و از بُعد دیگر آن را به عدالت توزیعی و رویه ای تقسیم می‌کنند.

در حقیقت، عدالت از مفاهیمی است که عقل جمعی همه افراد بشر، آن را مستحسن و نیکو می‌شمرد. عدالت به مثابه مفهومی، با سطح انتزاع بسیار بالا، از دیر باز ذهن بشر را به خود مشغول داشته است تا جایی که مباحثه درباره چیستی عدالت، به مثابه یکی از محوری‌ترین سئوالات فلسفه سیاسی، همچنان استمرار دارد (پورعزت، ۱۳۸۰: ۸۵).

در ارتباط با مفهوم عدالت، مفاهیمی چون برابری، انصاف و مساوات نیز مطرح می‌شوند که گاهی مترادف با آن و گاهی با مفهومی متفاوت با آن به کار گرفته شده‌اند. در واقع تحقق عدالت، سنگ پایه مشروعیت حاکمیت و مبنای توجیه ضرورت وجود

دولت تلقی می‌شود. در حقیقت، عدالت از مفاهیمی است که عقل جمعی همه افراد بشر، آن را مستحسن و نیکو می‌شمرد. عدالت به مثابه مفهومی، با سطح انتزاع بسیار بالا، از دیر باز ذهن بشر را به خود مشغول داشته است تا جایی که مباحثه درباره چیستی عدالت، به مثابه یکی از محوری‌ترین سئوالات فلسفه سیاسی، همچنان استمرار دارد (پورعزت، ۱۳۸۰: ۲۵).

هم فلاسفه و هم دانشمندان اجتماعی، توجه زیادی به بحث عدالت نموده‌اند. علاقه افراد به عدالت، از یک نیاز طبیعی اساسی منتج می‌شود، افراد، نیازهای فردی متفاوتی دارند که از طریق تعامل با دیگران به بهترین نحو، ارضا می‌شود. این نیازها طیفی از نیازهای اقتصادی از قبیل پول و امکانات مادی تا نیازهای اجتماعی - احساسی نسبتاً انتزاعی از قبیل توجه و احترام شخصی را در بر می‌گیرد. عدالت به افراد استانداردهایی ارائه می‌دهد تا قضاوت نمایند که آیا این نیازها در محیطهای اجتماعی که اغلب پیچیده هستند برآورده می‌گردد (پورعزت، ۱۳۸۰: ۲۵).

یکی از عناصر کلیدی تشکیل دهنده مفهوم عدالت اجتماعی، عنصر برابری است که خود مفهوم قابل درک و ملموسی است، اما از نحوه ترکیب آن با دیگر عناصر می‌توانیم به تعریفهای مختلفی از مفهوم عدالت اجتماعی دست پیدا کنیم. به عنوان مثال تعریفی از عدالت اجتماعی که بر مبنای ترکیبی از دو عنصر برابری در فرصت‌ها و پذیرش شایستگی‌ها و قابلیت‌ها شکل می‌گیرد با تعریف تک عنصری برابری در همه امکانات و امتیازات، کاملاً متفاوت و متمایز است و سیاست‌های اجتماعی کاملاً متفاوت و در بسیاری از موارد متضادی را در پی دارد.

واقعیت این است که دغدغه خاطر همیشگی شهروندان هر جامعه‌ای، عدالت اجتماعی است. بنابراین با توجه به اینکه، موضوع عدالت اجتماعی از

به تعریف واضح و دقیق درباره آن را دشوارتر ساخته است؛ از این رو، عدم توافق بسیاری درباره معنای عدالت و مصادیق اعمال عادلانه و ناعادلانه به وجود آمده است (همان: ۸۶).

هم فلاسفه و هم دانشمندان اجتماعی، توجه زیادی به بحث عدالت نموده‌اند. علاقه افراد به عدالت، از یک نیاز طبیعی اساسی منتج می‌شود: افراد، نیازهای فردی متفاوتی دارند که از طریق تعامل با دیگران به بهترین نحو، ارضا می‌شود. این نیازها طیفی از نیازهای اقتصادی از قبیل پول و امکانات مادی تا نیازهای اجتماعی - احساسی نسبتاً انتزاعی از قبیل توجه و احترام شخصی را در بر می‌گیرد. عدالت به افراد استاندارد هایی ارائه می‌دهد تا قضاوت نمایند که آیا این نیازها در محیط‌های اجتماعی که اغلب پیچیده هستند، برآورده می‌گردد (Steven, 1991: ۱۸۹).

چنانچه از مباحث مربوط به عدالت در تاریخ اندیشه سیاسی بر می‌آید، مهم ترین مسئله در بحث عدالت، قابل دفاع ساختن روابط نابرابر در جامعه است. نابرابری در ثروت، قدرت و شأن اجتماعی، به رغم شباهت در استعدادهای اکثر افراد، واقعیت انکارناپذیر همه جوامع بوده است. گذشته از آن، هیچ رابطه معنی داری، میان نابرابری در ثروت و قدرت و نابرابری در استعدادهای طبیعی وجود نداشته است. بنابراین دفاع از این نابرابری‌ها یا نفی آنها موضوع اصلی بحث عدالت است. به عبارت دیگر، عدالت در فلسفه سیاسی، مسأله‌ای است که در سطح نهادهای اجتماعی مطرح شده است. از بعد حقوقی، عدالت در تصمیم‌گیریه‌های عادلانه جستجو می‌شود: تصمیمی عادلانه است که بر طبق قانون باشد. اما از حیث فلسفه سیاسی، بلافاصله مسأله عادلانه بودن خود قانون پیش می‌آید.

اهمیت و جایگاه والایی در بین احاد افراد یک جامعه برخوردار است؛ مطالعه حاضر به بررسی عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن می‌پردازد.

بیان مفهومی موضوع

عدل عبارت است: «از میانه افراط و تفریط و حد وسط افعال و اقوال» (ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ج ۴: ۲۱۶) چنانکه معروف است خیر الامور اوسطها (و گفته شده: عدل به معنای «مساوات» و قراردادن امور (کارها) در جایگاه خودشان است و علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ تَوَاضِعَهَا... الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ... عدل امور را در جای خود می‌گذارد... و عدل صلاح‌اندیشی برای همگان است.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۹)

بدین ترتیب هدف عدالت اجتماعی، مشخص کردن ترتیبات نهادی‌ای است که به هر شخص اجازه می‌دهد تا به طور کامل به سلامت اجتماعی کمک نماید.

به نظر هایدک دست یافتن به عدالت اجتماعی، مستلزم آن است که احاد جامعه به گونه‌ای سازماندهی شوند که بتوان آن چه را که در جامعه تولید می‌شود به سهم های خاصی میان افراد یا گروه‌ها تقسیم نمود. به عبارت دیگر جامعه باید به سازمان هدف مند تبدیل گردد تا بتوان آرمان عدالت اجتماعی را تحقق بخشید (غنی نژاد، ۱۳۷۲: ۴۵).

کمپبل^۱ معتقد است که عدالت، یکی از اصطلاحات مبنایی سیاست و اخلاق است که با اهمیتی عالم گیر در همه نظریه‌های سیاسی و اجتماعی، نقش محوری دارد. اعتبار جهانی آن به توسعه مجموعه متنوعی از تحلیل‌ها و طرح‌های کاربردی انجامیده که دست یابی

^۱ Campbell

سر و کار دارد و به منزله یک عامل بالقوه با کاربردهای مهم در زمینه‌های مختلف سازمان و جامعه در نظر گرفته می‌شود. میزان زیادی از تحقیقات در مورد عدالت به طور تاریخی بر توزیع پرداخت‌ها و یا پاداش‌های مرتبط با کار تمرکز می‌نماید که از تئوری برابری منتج شده است. هنگامی که افراد یک سازمان در مورد میزانی که پیامدها مناسب، درست و اخلاقی هستند، قضاوت می‌کنند در واقع میزان رعایت عدالت توزیعی در سازمان را مورد داوری قرار می‌دهند^۲ (پورعزت، ۱۳۸۲: ۳۱). لوندال (۱۹۷۶) عدالت توزیعی را از دیدگاه افرادی که عمل تخصیص را انجام می‌دهند مورد بحث قرار داده است. مدل قضاوت عادلانه لوندال، یک نگرش فعالانه‌تری را نسبت به

۲ مبنای مفهوم عدالت توزیعی در تئوری برابری آدامز و مدل قضاوت عادلانه لوندال قرار دارد که در اینجا به طور مختصر به شرح این دو مبنا پرداخته می‌شود: ۱- تئوری برابری: اجزاء ساختاری اصلی تئوری برابری درون دادها و پیامدها هستند. درون‌دادها آن مواردی را که شخص به مثابه کمک‌های خود به سازمان در نظر می‌گیرد، شامل می‌شوند و پیامدها، پاداش‌هایی را در بر می‌گیرد که یک فرد از سازمان دریافت می‌کند. در تئوری برابری چنین بحث می‌شود که افراد هنگامی که نسبت درون دادها به پیامدهای خودشان در مقایسه با نسبت درون دادها به پیامدهای دیگران مساوی باشد، احساس رضایت می‌کنند. اگر عدم تساوی، ادراک گردد باعث احساس ناخوشایندی می‌شود و افراد برای رفع این احساس ناخوشایند، برانگیخته می‌شوند. وجود عدم تساوی، باعث برانگیخته شدن افراد برای دست‌یابی به تساوی یا کاهش عدم تساوی می‌گردد و قدرت این انگیزش به طور مستقیم با اندازه عدم تساوی ادراک شده تغییر می‌کند. به طور خلاصه تئوری برابری بر عکس العمل‌ها نسبت به پیامدهای نامتصفانه متمرکز می‌گردد. اگر یک فرد ادراک نماید که پیامدی که او دریافت داشته است، نسبت به بعضی استانداردها نامناسب است آن فرد عدم رعایت عدالت توزیعی را تجربه می‌نماید. تئوری برابری، یک مفهوم تک بعدی از عدالت توزیعی را به کار می‌گیرد و فرض می‌کند که افراد در مورد میزان رعایت انصاف در پاداش‌های خودشان یا دیگران، تنها بر اساس اصل شایستگی قضاوت می‌کنند. ۲- مدل قضاوت عادلانه: عدالت توزیعی، غالباً از دیدگاه افرادی که پیامدها را دریافت می‌کنند، مورد بحث قرار گرفته است (مومنی، ۱۳۸۵: ۱۷).

استربا^۱، با در نظر گرفتن شش مکتب فلسفی سیاسی مفاهیم عدالت از دیدگاه آنها را طبقه بندی کرده است. بر اساس این طبقه بندی، آرمان سیاسی نهایی مفهوم لیبرالی عدالت، آزادی است و همه حقوق و تکالیف، نهایتاً بر مبنای آن توجیه می‌شوند؛ در حالی که در مفهوم سوسیالیستی عدالت، برابری به مثابه آرمان سیاسی نهایی و مبنای توجیه حقوق و تکالیف، مدنظر قرار می‌گیرد؛ و در مفهوم لیبرال دموکراتیک، عدالت، آمیزه‌ای از آزادی و برابری، آرمان سیاسی نهایی و مبنای توجیه حقوق و تکالیف، تلقی می‌شود؛ اجتماع گرایان، نفع عمومی را به مثابه آرمان سیاسی نهایی خود در نظر می‌گیرند و ادعا می‌کنند که چنین آرمانی به حمایت از شکوفایی فضایل انسانی می‌انجامد؛ فمنیست‌ها نیز مفهومی از عدالت را تأیید می‌کنند که حقوق و تکالیف را بر مبنای آرمان دو جنسیتی و مبتنی بر برابری زن و مرد، توجیه نماید؛ در حالیکه مفهوم فرانوگرایی عدالت، با تأکید بر ضرورت رد همه فرا روایتها و نظریه‌های کلان، توجیه حقوق و تکالیف را محلی و محدود دانسته، بر آن است که این توجیه نباید جهان شمول باشد (پورعزت، ۱۳۸۰: ۸۷).

اما در دید جامعه‌شناختی کاربردی امروز با توجه به بهره‌گیری از اندیشه‌های مختلف، عدالت در ارتباط با مناطق و طبقات مختلف اجتماعی دیده می‌شود.

بررسی انواع عدالت:

الف- عدالت توزیعی

عدالت توزیعی ناظر به تکالیف دولت در برابر مردم است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی را معین می‌کند؛ در واقع احساس عدالت توزیعی از سوی مردم با انصاف ادراک شده از پیامدها

¹ Sterba

است که یک فرد، قوانین عدالت توزیعی را به صورت انتخابی به کار می‌گیرد؛ بدین معنی که در زمان های متفاوت، قوانین گوناگونی را دنبال می‌کند، بنابراین معیار اساسی فرد ممکن است در موقعیت‌های متفاوت، تغییر کند. به دلیل فقدان استانداردهای عینی، تصمیم‌گیری در باب میزان رعایت عدالت توزیعی، دشوارتر از آن چیزی است که ممکن است در وهله اول به نظر آید و به همین دلیل برای قضاوت در این مورد، افراد باید یک الگو یا چارچوب مرجع را در نظر بگیرند. به واقع، میزان رعایت عدالت توزیعی در مقایسه با این چارچوب‌های مرجع مورد قضاوت قرار می‌گیرد. آنچه یک فرد دریافت می‌کند بدون مقایسه با بعضی از چارچوب‌های مرجع، میزان عدالت رعایت شده را نشان نمی‌دهد. دو فرد که پیامدهای مشابهی را دریافت نموده‌اند اگر از یک چارچوب مرجع استفاده ننمایند، ممکن است سطوح متفاوتی از عدالت را ادراک کنند. توجه به این نکته حائز اهمیت است که افراد هنگامی که عدم تساوی به نفع آن‌ها باشد، کمتر احساس نارضایتی می‌نمایند. از سوی دیگر احتمال دارد که افراد هنگامی که پاداش-هایی کمتر از افراد مورد مقایسه دریافت می‌کنند، به طور منفی واکنش نشان دهند. عدالت توزیعی در اصل بر مبنای اصل مبادله قرار می‌گیرد. افراد به آنچه با خود به سازمان یا جامعه آورده‌اند به منزله مبادله‌ای در قبال آنچه دریافت کرده‌اند، می‌نگرند. باید توجه داشت که عدالت توزیعی فقط محدود به عادلانه بودن پرداخت‌ها نمی‌گردد بلکه مجموعه گسترده‌ای از پیامدها از قبیل ارتقاها، پاداش‌ها، تنبیه‌ها، برنامه‌های کاری، مزایا و ارزیابی‌های عملکرد را در برمی‌گیرد.

تئوری برابری در نظر می‌گیرد. در این تئوری، لوندال بیان می‌دارد که افراد در مورد میزان استحقاقشان با استفاده از چندین قانون عدالت مختلف، قضاوت می‌نمایند. او بیان می‌دارد که اساساً سه قانون عدالت توزیعی وجود دارد که عبارتند از: (Rorty, 1990:21)

الف) قانون کمک؛ ب) قانون تساوی، ج) قانون نیازها. (مومنی، ۱۳۸۵: ۱۸)

مدل قضاوت عادلانه یک توالی چهار مرحله‌ای را که فرد طی آن عدالت پیامدها را ارزیابی می‌کند، در نظر می‌گیرد. بدین صورت که:

(۱) فرد تصمیم می‌گیرد که کدام یک از قوانین عدالت را استفاده کند و چگونه به آن وزن بدهد؛

(۲) فرد بر مبنای قانون عدالتی که در نظر گرفته است در مورد میزان و انواع پیامدهایی که استحقاق آن را دارد، تخمین می‌زند؛

(۳) فرد، پیامدهایی را که مستحق آن بوده است، با توجه به قانون مورد نظر، درون یک تخمین نهایی ترکیب می‌کند؛

(۴) فرد انصاف رعایت شده در پیامدهای واقعی دریافت شده را در مقایسه با آنچه واقعاً استحقاق آن را داشته، ارزیابی می‌کند.

بنابراین، مدل قضاوت عادلانه فرض می‌کند که قضاوت‌های فرد در مورد انصاف، فقط بر مبنای قانون کمک هایش نیست بلکه قانون برابری و قانون نیازها نیز نقش مهمی در این قضاوت‌ها ایفا می‌کند. بر طبق این مدل، افراد رویه‌های استفاده شده توسط تصمیم‌گیرندگان برای انجام تخصیص را بر مبنای موقعیت، مورد قضاوت قرار داده و هنگامی عدالت متفاوتی از قبیل برابری، نیازها و تساوی را به کار می‌گیرند. مفهوم اصلی مدل قضاوت عادلانه، در این

ب- عدالت رویه‌ای

به موازات اینکه روند تحقیق در روان‌شناسی اجتماعی از تأکید صرف بر نتایج تخصیص پاداش‌ها (عدالت توزیعی) به تأکید بر فراگردهای حاکم بر این تخصیص‌ها، تغییر نمود در مطالعه عدالت نیز، تغییرات مشابهی ایجاد گشت. پیش از این، میزان رعایت عدالت در توزیع پیامدها تنها تعیین‌کننده عدالت در نظر گرفته می‌شد؛ اما به موجب تغییرات ایجادشده، عدالت درک شده از فراگردهایی که به موجب آن‌ها پیامدها تخصیص می‌یابند، نیز مهم ارزیابی گردید و در بسیاری از موارد به مثابه مهمترین تعیین‌کننده ادراک عدالت در نظر گرفته شد.

فولگر و گرین برگ^۱ (۱۹۸۵) اولین محققانی بودند که بحث عدالت رویه‌ای را برای محیط‌های کاری استفاده کردند. از آن زمان، جریان مداومی از تحقیق، پیرامون عدالت رویه‌ای وجود دارد. لیند و تیلر^۲ (۱۹۸۸) عدالت رویه‌ای را به منزله رعایت عدالت در فراگردهایی که توسط آن‌ها، پیامدها تخصیص می‌یابند، تعریف می‌کنند. بارون و گرین برگ معتقدند که دانشمندان دو جنبه برای عدالت رویه‌ای در نظر گرفته‌اند:

۱- جنبه ساختاری عدالت رویه‌ای: این جنبه از عدالت رویه‌ای به بررسی این امر می‌پردازد که تصمیمات چگونه باید اتخاذ گردد تا منصفانه به نظر برسد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که این جنبه به بررسی اینکه تصمیمات چه باشند، نمی‌پردازد بلکه این امر را بررسی می‌نماید که تصمیمات چگونه اتخاذ گردند.

۲- جنبه اجتماعی عدالت رویه‌ای: "گرین برگ" اعتقاد دارد که گرچه جنبه ساختاری عدالت رویه‌ای، اهمیت شایانی دارد اما همه مباحث در زمینه عدالت رویه‌ای را در بر نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر هنگام قضاوت در مورد میزان رعایت عدالت در رویه‌های سازمانی، کیفیت رفتار بین شخصی تصمیم‌گیرندگان با کارکنان سازمان به منزله یک فاکتور کلیدی در نظر گرفته می‌شود. برگ این بعد عدالت رویه‌ای را «عدالت مراوده‌ای» می‌نامد و دو فاکتور اصلی را تعیین‌کننده عدالت در رفتارهای بین افراد می‌داند. (مومنی، ۱۳۸۵: ۲۱)

الف) عدالت اطلاعاتی^۳: این نوع از عدالت به درستی اطلاعاتی که به افراد در مورد یک تصمیم داده می‌شود، می‌پردازد. این جنبه از عدالت به بررسی این امر می‌پردازد که به چه میزان در مورد اینکه چرا رویه‌ها به طریقی خاص استفاده شده و یا چرا پیامدها به شیوه‌ای خاص توزیع شده‌اند، به افراد اطلاعات داده می‌شود (مومنی، ۱۳۸۵: ۲۲).

ب) حساسیت اجتماعی^۴: بیان‌کننده میزان احترام و منزلتی است که هنگام ارائه یک پیامد نامطلوب نشان داده می‌شود. هنگامی که پیامدهای نامطلوب به درستی و به صورت آموزنده و با میزان زیادی حساسیت بین فردی ارائه گردد، پاسخ افراد به این پیامدها مطلوب‌تر از زمانی خواهد بود که با حساسیت کمتر و در یک شیوه غیرآموزنده‌تر ارائه شود. دو منبع اصلی وجود دارد که ارزیابی‌ها در مورد میزان رعایت عدالت رویه‌ای از آن‌ها مشتق می‌گردد. ۱- رویه‌ها و دستورالعمل‌های رسمی که از آن‌ها تحت عنوان

³ Informtion justice

⁴ Social sensitivity

¹ Greenberg

² Lind & Tyler

رویکردهای مختلف و رابطه آن ها با جهت گیری اجتماعی، انگیزش پیشرفت و عدالت توزیعی و ارزش ها در بین ۱۵۰ معلم دبیرستانی در اصفهان نشان دهنده الگوی معنی داری از روابط است. اعتبار تمیزی چهار مقیاس عدالت اجتماعی را می توان با توجه به همبستگی های متوسط بین ارزشها و دیدگاه های تناسب در عدالت اجتماعی یعنی فردگرایی اقتصادی و انصاف و یا دیدگاه های برابری خواهی شامل برابری و نیاز مشاهده کرد (عریضی، ۱۳۸۳: ۱۸۳-۱۴۵).

عریضی سامانی و گل پرور (۱۳۸۴) تحقیقی تحت عنوان رابطه بین رویکردهای عدالت اجتماعی با مولفه های برابری سیاسی انجام داده اند و در آن آمده که عدالت اجتماعی و سیاسی از زمره مباحث و موضوعات محوری در مشارکت افراد جامعه در سیاست های خرد و کلان هر جامعه ای است. بنا بر نظر فلاسفه سیاسی، دو عامل اصلی درگیر، در داوری های افراد جامعه در برابر عدالت خواهی سیاسی، عدالت توزیعی و رویه ای است. این دو رویکرد اصلی به عدالت اجتماعی به اشکال متعدد در تصمیم گیری های افراد جامعه نسبت به مفید بودن یا نبودن سیاست های حکومت ها در راستای جلب مشارکت مردم برای همراهی و همکاری در اجرای برنامه ها، همواره نقش با اهمیتی را ایفا کرده و می کند. رویکردهای کنونی به عدالت اجتماعی توزیعی (نیاز برابری، انصاف، اقتصادگرایی فردی) در سطح بسیاری از جوامع توسط محققان حوزه های جامعه شناسی و روانشناسی مورد بررسی قرار گرفته و در عین حال بر پایه این تحقیقات مشخص شده که بی توجهی به تصورات افراد هر جامعه ای نسبت به عدالت اجتماعی، می تواند تبدیل به معضلات جدی

مبناهای رسمی عدالت رویه ای نام برده می شود. ۲- تجارب افراد با اشخاص خاص صاحب اختیار در گروه که وظیفه اداره گروه را برعهده دارند که این جنبه را مبناهای غیررسمی عدالت رویه ای می نامند. مبناهای رسمی ماهیتاً ساختاری هستند و احتمال دارد که در طی زمانها و موقعیت های گوناگون و در میان افراد متفاوت، ثبات خود را حفظ کنند. از سوی دیگر، مبناهای غیررسمی، پویا و منحصر به فرد هستند و احتمال تغییر آن ها بسته به ادراک کننده، عامل تغییر و هم چنین رابطه خاصی که بین آن ها ایجاد شده است، وجود دارد (همان: ۲۴).

بررسی پیشینه پژوهش

عریضی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان رویکردهای عدالت اجتماعی در بین معلمان شهر اصفهان به بررسی مؤلفه های مرتبط با عدالت پرداخته است. در این تحقیق آمده است که شکاف فزاینده بین مفهوم عدالت اجتماعی به عنوان یک مفهوم مجرد و واقعیت های فقدان عدالت در زندگی در چهار رویکرد به عدالت اجتماعی ظاهر می شود. جهت گیری اخلاق کار به زندگی اجتماعی، نشان دهنده دیدگاه تناسب است که از طریق دو دیدگاه فردگرایی اقتصادی و انصاف بیان می شود. دیدگاه برابری خواهی شامل رویکردهای دیگر یعنی انصاف و نیاز است. تناسب نشان دهنده تمایل به پاداش دادن به افرادی در جامعه است که در پیشرفت جامعه سهم دارند. و دریغ داشتن این پاداش از افرادی است که مساعدتی به پیشرفت جامعه ندارند. برابری خواهی نشان دهنده دسترسی برابر به خدمات اساسی و رفتار یکسان با همه افراد جامعه و توزیع مجدد ثروت است. در این بحث درباره

(به ترتیب $r=0.29$ و $r=0.32$) در عدالت سیاسی رابطه مندی معنادار وجود دارد. همچنین بین انصاف در عدالت اجتماعی و برابری فرصتی و مشارکتی (به ترتیب $r=0.27$ و $r=0.37$) نیز رابطه منفی وجود داشت. بین برابری در عدالت اجتماعی و برابری توزیعی، برابری قانونی و برابری مشارکتی به ترتیب ($r=0.44$ و $r=0.47$ و $r=0.46$) رابطه مثبت معنادار بدست آمد. بین نیاز در عدالت اجتماعی و برابری توزیعی و برابری مشارکتی (به ترتیب $r=0.39$ و $r=0.42$) و بین نیاز در عدالت اجتماعی و برابری قانونی ($r=0.32$) به ترتیب رابطه منفی و مثبت معنادار به دست آمد. همبستگی‌های متعارف نیز نشان داد که رویکردهای چهارگانه عدالت اجتماعی از طریق عدالت اجتماعی کلی قادر به پیش بینی میزان برابری‌خواهی عدالت سیاسی هستند. (عریضی سامانی و گل پرور، ۱۳۸۴: ۳۱۸-۲۹۳)

شریف زادگان (۱۳۸۶) مقاله پژوهشی تحت عنوان "راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی" تدوین نموده است. در این مقاله اندیشه‌های هابز و کانت به عنوان دو نظریه مهم مدرن کلاسیک مورد بررسی قرار گرفته است، سپس اندیشه رالز در مورد عدالت و مخالفان او همانند هابز و کانت بررسی گردیده است این مطالعه از نوع کتابخانه‌ای بوده و در آن تلاش شده است که با مرور منابع عمده و تحلیل نظرات، جمع بندی روشنی از راهبردهای ارایه شده و متناسب با جامعه ایران ارایه شود. در یافته‌ها آمده است که با توجه به مباحث مرتبط با دولت رفاه و دیدگاه‌های اصلاحی آن و نهایتاً رویکردهای اقتصادی رشد و باز توزیع درآمد سه راهبرد "تقدم رشد نسبت با باز توزیع درآمد"، راهبرد "تقدم باز توزیع در آمد

سیاسی و اجتماعی شود. به باور اندیشمندانی چون کلمن (۱۹۹۰) عناصر اصلی در عدالت سیاسی، برابری عناصر و لوازم توسعه سیاسی است که دارای سه مولفه اساسی شهروندی ملی، نظم حقوقی کلیت گرا و هنجارهای موفقیت هستند. این مولفه‌ها، به طور کلی در یکی از چهار مولفه (برابری سیاسی)، برابری توزیعی، فرصتی، قانونی و مشارکتی نمود خود را بجا می‌گذارند. بر اساس اهمیت ارتباط میان رویکردها به عدالت اجتماعی (برابری، نیاز، انصاف و فردگرایی اقتصادی) با مولفه‌های برابری سیاسی (برابری توزیعی، قانونی، مشارکتی و فرصتی) در این پژوهش رابطه بین رویکردهای چهارگانه فوق به عدالت اجتماعی با چهار مولفه برابری سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق راه کلیه افراد ۱۶ سال بالاتر ساکن در شهر اصفهان تشکیل داده اند. از جامعه آماری مذکور ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) به عنوان گروه نمونه با استفاده از نمونه‌گیری دو مرحله‌ای از سطح خیابانهای شهر اصفهان برای پاسخگویی به دو پرسش نامه عدالت اجتماعی راسینسکی و فلدمن و برابری سیاسی یوسفی (۱۳۸۳) انتخاب شدند. لازم به ذکر است که ۴۰۰ نفر گروه نمونه به منظور قابل مقایسه کردن نتایج پژوهش حاضر با پژوهش یوسفی، در این حجم انتخاب شده اند. نتایج با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و ضرایب همبستگی متعارف (رویکردها به عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی کلی به عنوان متغیر پیش بین و مولفه‌های برابری سیاسی و برابری سیاسی کلی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده اند) مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان داد که بین فردگرایی اقتصادی با برابری فرصتی و مشارکتی

اندیشه هابز و الهام بخش مکتب اصالت فایده بود، عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌دید. مسأله عدالت، اصلاً در جایی پدید می‌آید که منافع و اختلاف آن‌ها در کار باشد. از همین رو مردم می‌توانند، درباره عمل عادلانه به توافق و وضع قرارداد برسند؛ چنین قراردادی باید، با توجه به نفع فردی، عادلانه تلقی شود (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

نظریه عدالت رالز که شاخص‌ترین نظریه عدالت اجتماعی غربی در دهه‌های اخیر است، بر توافق قراردادی^۱ به صورت پایه و اساس تشخیص اصول عدالت تکیه می‌کند. او هیچ تلقی و تصویری پیشینی از عدالت عرضه نمی‌دارد و محتوای اصول عدالت را به توافق حاصل شده میان افراد در «وضع نخستین» موکول می‌کند. همان‌طور که خودش در مقدمه کتاب نظریه عدالت تصریح می‌کند، اندیشه او ارتباط محکمی با سنت قرارداد اجتماعی^۲ دارد که به وسیله متفکرانی نظیر جان لاک، روسو و کانت پی گرفته شده است و او در صدد ارائه مدلی کامل‌تر و پیشرفته از این رویکرد است که از مشکلات تقریرهای قبلی مصون باشد. اما آنچه در کتاب نظریه‌ای درباره عدالت مورد توجه رالز است، رسیدن به «عدالت به مثابه انصاف» است. رالز درباره عدالت ابراز می‌دارد که برداشت او از عدالت به مثابه انصاف مناسب‌ترین مبنای اخلاقی را برای یک جامعه دموکراتیک تشکیل می‌دهد. بنابراین در این کتاب رالز در پی پایه‌ریزی این مبنای اخلاقی است؛ اگر چه او این ایده را بسط نمی‌دهد و همچنین این اصول عدالتی که در موقعیت اولیه^۳ انتخاب می‌شوند، یک راهنمای جامعی برای

نسبت به رشد" و راهبرد "رشد توام با باز توزیع در آمد" مورد بررسی و بازبینی قرار گرفته اند. در مجموع بیان شده است که راهبرد رشد توام با توزیع درآمد برای حل مسایل رشد و عدالت اجتماعی بهتر می‌تواند رشد و عدالت را به همراه داشته باشد. سه عامل عدالت رالزی، جامعه رفاهی و جامعه ریسکی و راهبرد رشد توام با باز توزیع درآمد در یک راستا می‌توانند راهبرد رشد توام با باز توزیع درآمد را توضیح دهند (شریف زادگان، ۱۳۸۶: ۲۹-۹)

بررسی مبانی نظری

در میان اندیشمندان گوناگون، نظرات متفاوتی درباره مفهوم عدالت، ابراز شده است. افلاطون، ضمن ارائه تصویر کلی برای جامعه مطلوب یا مدینه فاضله از عدالت بحث کرده است. او معتقد است که مدینه فاضله، چهار صفت عدالت، حکمت، شجاعت و خویشتن داری را در خود دارد که برجسته‌ترین آنها عدالت است و این صفت، بقیه را به وجود می‌آورد و هماهنگ کننده آنها، هم در اجتماع و هم در وجود فردی است. به زعم افلاطون، عدالت این است که هر یک از افراد جامعه به وضع و موقعیتی که در اجتماع دارد، خشنود باشند و آن را قبول کنند و وظایف مربوط به آن را به حد کمال انجام دهند (جمشیدی، ۱۳۵۸: ۶۲).

ارسطو، شاگرد افلاطون نیز، سعادت راستین آدمی را در فضیلت می‌داند و فضیلت نیز در بالاترین وجه خود در عدالت متجلی می‌گردد (عالم، ۱۳۷۶: ۳۱). به نظر هابز، عدالت عبارت است از عمل به تعهداتی که فرد از سر نفع طلبی به آن‌ها رضایت داده است. پس اساس عدالت، قرارداد است. هیوم نیز که متأثر از

¹ contractual agreement

² social contract

³ original position

قرآن را علت اصلی حساسیت مسلمانان نسبت به عدل و پرداختن به آن در حوزه‌های مختلف اسلامی می‌داند استاد مطهری می‌گوید: «در قرآن کریم تصریح شده که حکمت بعثت و ارسال رسل این است که عدل و قسط بر نظام زندگانی بشر حاکم باشد: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»

قرآن به دنبال آن است که بذر عدل را در دل جامعه اسلامی بپراکند و این امر تا اندازه‌ای اهمیت دارد که گاهی خدا از مقام فاعلیت و تدبیر الهی به مقام اقامه عدل یاد می‌کند.

نیکی عدالت از نظر اسلام و قرآن تا اندازه‌ای است که رعایت آن را نه فقط نسبت به مسلمانان بلکه نسبت به کفار نیز توصیه می‌کند.

استاد مطهری در مجموع به چهار تعریف از عدل در کتاب عدل الهی اشاره می‌کند که مورد چهارم به تعریف عدل الهی اختصاص دارد و از حوزه این بحث خارج است و سه مورد دیگر عبارتند از:

الف- موزون بودن و تعادل: تناسب و تعادل در اجتماع، یعنی جامعه‌ای که اجزاء مختلفی دارد و هدف خاصی را دنبال می‌کند، برای تعادل آن ضروری است که میزان احتیاجش در نظر گرفته شود و متناسب با آن احتیاجات بودجه و نیرو مصرف گردد. در چنین تعریفی پای «مصلحت» به میان می‌آید، مصلحت کل، مصلحتی که در آن بقاء و دوام «کل» و هدف‌هایی که از کل منظور است در نظر گرفته می‌شود.

ب- مساوات و نفی هر گونه تبعیض: این امر به ظاهر مفهوم زیبایی است، استاد در این مورد نیز با نگاه نقاد

انتخاب فردی محسوب نمی‌شوند. برای رسیدن به اصول عدالت رالز از ابزاری استفاده می‌کند که کاملاً اخلاقی هستند. مدعای اصلی در سنت قرارداد اجتماعی را می‌توان در یک جمله بیان کرد: اجتماعات و نهادهای سیاسی نظیر دولت و قوانین آن از یک توافق نخستین میان افراد، شکل می‌گیرند که توجیه‌کننده همین نهادها نیز هست. (Rawls, p.10)

رالز در مجموع از دو اصل نام می‌برد، این دو اصل عبارتند از:

اصل اول: هر شخصی باید حق برابر نسبت به گسترده‌ترین نظام جامع آزادی‌های اساسی برابر داشته باشد که با نظام مشابه آزادی برای همگان منافاتی نداشته باشد.

اصل دوم: نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باید چنان سامان یابند که هر دوی آن‌ها: الف) بیشترین نفع را برای محرومترین افراد داشته باشد...؛ ب) به مناصب و مشاغلی متصل باشند که در شرایط منصفانه و برابر از نظر فرصت به روی همه گشوده باشند.

اصل اول «اصل آزادی» نام دارد و بخش اول اصل دوم، «اصل تفاوت» و بخش دوم اصل دوم، «اصل فرصت برابر» نام دارد. اصل آزادی بر اصل دوم عدالت اولویت دارد. یعنی آزادی تضمین شده در اصل اول را نمی‌توان فدای منافع اقتصادی و اجتماعی کرد.

در میان متفکران اسلامی نیز، آراء بسیار متفاوتی در باب عدالت اظهار شده است که به عنوان نمونه، می‌توان به نظریات استاد مطهری اشاره داشت، ایشان عدالت را به منزله پایه‌های ساختمان معنا کرده است. از طرف دیگر از نظر استاد مبنای بحث عدالت در اسلام را باید در خود قرآن کریم جستجو کرد همچنین وی

خود به دقت معانی مختلف مساوات را از هم جدا و موشکافی می‌کند.

ج- رعایت حقوق افراد و عطا کردن به حق هر ذی‌حق را: در مقابل، ظلم عبارت است از پایمال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران. «معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری، یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند همین معنی است.

بنابراین در عدالت از دو اصل سخن گفته می‌شود: اصل اول از آزادی برابر و فرصت‌های برابر دفاع می‌کند؛ و اصل دوم ناظر بدان است که در چه وضعی می‌توان گفت نابرابری‌ها موجه و عادلانه است (بشیریه، ۱۲۱).

سید قطب نیز پایه‌های عدالت اجتماعی را بر سه محور آزادی همه جانبه وجدان، مساوات کامل انسانیت و تکامل همکاری محکم اجتماعی بنا کرده است (قطب، سیدمحمد؛ ۱۳۵۲: ۹۲).

بدین ترتیب عدالت اجتماعی دو رکن اساسی دارد که عبارتند از:

الف: تکافل عمومی؛ که به معنای کفیل یکدیگر شدن و در برابر یکدیگر مسئول و متعهد بودن و همینطور گذشتن از منافع صرف فردی و اندیشیدن به مصالح همگانی است؛

ب: توازن اجتماعی؛ که بیانگر ایجاد برابری و تعادل در تمام ابعاد زندگانی اجتماعی برای تمام افراد و اقشار جامعه است، یعنی قدرت، ثروت، امکانات و زمینه‌های بکارگیری و تولید و توزیع و مصرف آنها در جامعه به گونه‌ای باشد که تمامی افراد بتوانند از مزایا و امکانات موجود به صورتی متعادل، متوازن و متناسب

با مقتضیات و شرایط و نیازها برخوردار شوند. (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۸۱)

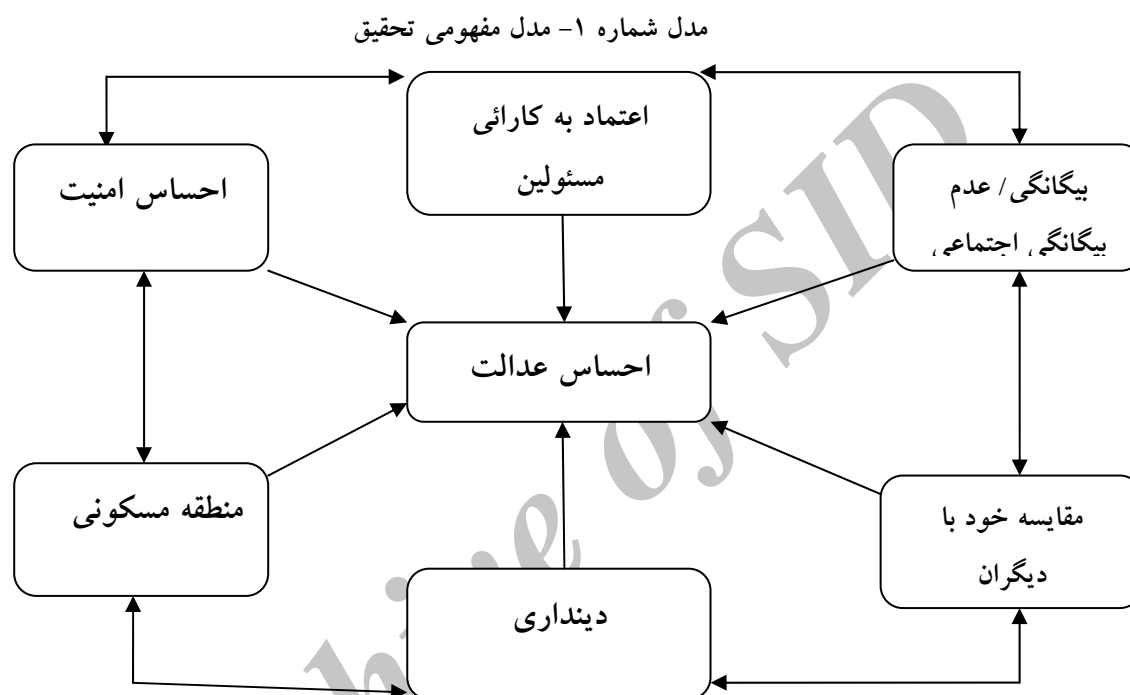
در مجموع باید گفت که در اندیشه لیبرالیستی غرب معاصر، عدالت ناظر به حفظ و صیانت از حقوق اساسی فردی است و صفت عادلانه و اومانستی، تقریباً معادل و مترادف هم بکار گرفته می‌شود. در نگرش سوسیالیستی نیز عدالت اجتماعی به معنای عدالت توزیعی و در توزیع محصولات، امکانات و فرآورده‌هاست که البته هر کدام دارای نقص و نارسایی هستند

اما ابعاد عدالت اجتماعی در اسلام دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

۱. برابری دسترسی در تعیین سرنوشت و تحقق مسئولیت خلافت عمومی انسان در زمین؛
۲. برابری دسترسی در اداره جامعه، نظارت بر حکومت و آزادی سیاسی؛
۳. برابری دسترسی در مقابل قانون، مقررات عمومی و امتیازات اجتماعی؛
۴. عدالت توزیعی در بُعد ثروت و منابع اقتصادی جامعه؛
۵. عدالت توزیعی در بُعد قدرت و منابع سیاسی جامعه؛
۶. برابری در دسترسی به معیشت و سطح زندگانی؛
۷. اعتدال در سلوک و معاشرت اجتماعی؛
۸. برابری در آموزش و پرورش؛
۹. برابری در قضاوت و دادرسی؛
۱۰. توازن اجتماعی و تأمین عمومی و تکامل همیاری اجتماعی. (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۵۸۱).

جمع بندی مباحث نظری: در مجموع تئوری‌های که ارائه گردید هر یک از طریق تأکید بر متغیرهای خاص

عدالت اجتماعی را به عوامل خاصی ارجاع می‌دهند. بدین ترتیب مجموعه نظریات صاحب‌نظران به ما نشان داد که عدالت دارای ابعاد و اضلاع مختلفی می‌باشد و ما در تحقیق حاضر عدالت را دو بُعد عدالت توزیعی و رویه‌ای مدنظر قرار خواهیم داد. بدین ترتیب زنجیره بین متغیرها را می‌توان بدین شکل نشان داد:



امروزه برخی عدالت اجتماعی را عبارت از وجود فرصتهای برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه مالی و فیزیکی می‌دانند. در واقع عدالت اجتماعی معطوف به سیاستهای رویه‌ای و توزیعی یا اجرایی است که نهایتاً جامعه را به سمت نوعی تعادل بین طبقات برخوردار و محروم از مواهب طبیعی سوق می‌دهد. (باقری، ۱۳۸۴: ۴۶).

در تحقیق حاضر برای سنجش میزان احساس عدالت از دو بُعد عدالت رویه‌ای و عدالت توزیعی استفاده شد که در ادامه به هر یک پرداخته خواهد شد:

پرسشهای تحقیق

میزان احساس عدالت در بین مردم شهر تهران تا چه اندازه می‌باشد؟
متغیرهای تأثیرگذار بر احساس عدالت چه مواردی می‌باشند؟
- تعریف نظری و عملیاتی احساس عدالت اجتماعی (در دو بُعد رویه‌ای و توزیعی)
در فرهنگ آکسفورد، عدالت به منزله حفظ اصول قانونی، اجتماعی و اخلاقی، به وسیله اعمال اقتدار یا قدرت تعریف شده است.

این متغیر نیز به وسیله معرفی عملیاتی شده است:

الف - عدالت رویه ای

فولگر و گرین برگ^۱ (۱۹۸۵) اولین محققانی بودند که بحث عدالت رویه‌ای را برای محیط‌های کاری استفاده کردند. از آن زمان، جریان مداومی از تحقیق، پیرامون عدالت رویه‌ای وجود دارد. لیند و تیلر^۲ (۱۹۸۸) عدالت رویه‌ای را به منزله رعایت عدالت در فراگردهایی که توسط آن‌ها، پیامدها تخصیص می‌یابند، تعریف می‌کنند. بارون و گرین برگ معتقدند که دانشمندان دو جنبه برای عدالت رویه‌ای در نظر گرفته‌اند:

۱- جنبه ساختاری عدالت رویه‌ای: این جنبه از عدالت رویه‌ای به بررسی این امر می‌پردازد که تصمیمات چگونه باید اتخاذ گردد تا منصفانه به نظر برسد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که این جنبه به بررسی اینکه تصمیمات چه باشند، نمی‌پردازد بلکه این امر را بررسی می‌نماید که تصمیمات چگونه اتخاذ گردند.

۲- جنبه اجتماعی عدالت رویه‌ای: گرین برگ اعتقاد دارد که گرچه جنبه ساختاری عدالت رویه‌ای، اهمیت شایانی دارد اما همه مباحث در زمینه عدالت رویه‌ای را در بر نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر هنگام قضاوت در مورد میزان رعایت عدالت در رویه‌های سازمانی، کیفیت رفتار بین شخصی تصمیم گیرندگان با کارکنان سازمان به منزله یک فاکتور کلیدی در نظر گرفته می‌شود. گرین برگ این بعد عدالت رویه‌ای را «عدالت مرادده‌ای» می‌نامد. (مومنی، ۱۳۸۵: ۲۱)

برای تعریف عملیاتی عدالت رویه ای از گویه های

زیر در قالب طیف لیکرت استفاده شد و از پاسخگویان خواسته شد که میزان موافقت یا مخالفت خود را در مورد هر یک از گویه های زیر بیان کنند:

- ۱- در ادارات هر روز یک قانون وضع می شود و مردم نمی دانند تکلیف آنها چیست
- ۲- در ادارات با مردم با احترام برخورد می شود
- ۳- نام و اعتبار افراد در جامعه ما ناشی از شایستگی خود آنهاست
- ۴- در جامعه ما برای هر کاری برنامه ای تعریف شده است
- ۵- در جامعه ما مردم می توانند به آن چیزی که استحقاق آن را دارند، برسند

ب- عدالت توزیعی

در کتاب تئوری‌های روانشناسی اجتماعی واژه عدالت توزیعی اینگونه تعریف شده است:

عدالت توزیعی در روابط اجتماعی به معنای آن است که یک فرد در روابط متقابل با دیگران انتظار خواهد داشت، پاداشهای وی در جهت هزینه‌های او باشد (معمولاً پاداش یا منافع خالص هر فرد باید متناسب با سرمایه‌گذاری وی باشد) و هر چه سرمایه‌گذاری بیشتر سود یا منفعت حاصل از آن نیز بیشتر باشد، احساس عدالت در این حوزه پیش می آید. (شاو، کاستانزو، ۱۹۸۵، ۷۷)

در واقع عدالت توزیعی با انصاف ادراک شده از پیامدها سر و کار دارد و به منزله یک عامل بالقوه با کاربردهای مهم در زمینه‌های سازمانی و حکومتی در نظر گرفته می‌شود (Cohen-Charash & Spector, 2000: 280).

برای تعریف عملیاتی عدالت توزیعی از گویه های زیر استفاده شد:

- ۱- در وضعیت فعلی جامعه مردم به حداقل درآمد

¹ Greenberg

² Lind & Tyler

یافته‌های پژوهش

بررسی میزان احساس عدالت در بین پاسخگویان لازم به توضیح می‌باشد که برای سنجش میزان احساس عدالت از دو بعد "عدالت رویه ای و عدالت توزیعی" استفاده شد که در ابتدا به جدول ترکیبی حاصل از این دو عدالت که نشان دهنده میزان عدالت کلی در بین پاسخگویان می‌باشد، می‌پردازیم و در ادامه به بررسی هر یک از ابعاد عدالت به تفکیک خواهیم پرداخت.

برای زندگی آبرومند دسترسی دارند
 ۲- در جامعه ما حق و حقوق قومیت‌ها رعایت می‌شود
 ۳- افراد با نفوذ نمی‌توانند، حق و حقوق افراد را پایمال کنند
 ۴- مجرمینی که پارتی یا پول دارند، براحتی از دست قانون فرار می‌کنند
 ۵- در جامعه ما قانون بصورت یکسان برای همه اجرا می‌شود
 ۶- در جامعه ما واگذاری شغلها به افراد متناسب با شایستگی (قابلیت) آنهاست

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی میزان احساس عدالت در بین پاسخگویان

عدالت			موارد	
عدالت کلی	عدالت توزیعی	عدالت رویه ای		
۱۵۵	۱۱۴	۱۹۶	کم	تعداد
۴۰/۳	۲۹/۵	۵۰/۹		درصد نسبت به منطقه
۱۸۷	۲۱۱	۱۶۳	متوسط	تعداد
۴۸/۶	۵۵	۴۲/۳		درصد نسبت به منطقه
۴۳	۶۰	۲۶	زیاد	تعداد
۱۱/۲	۱۵/۵	۶/۸		درصد نسبت به منطقه
۳۸۵	۳۸۵	۳۸۵	جمع	تعداد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		درصد نسبت به منطقه

$X^2=44592$	$df = 2$	$Sig = 0/00$	Cramers V = 0/34
-------------	----------	--------------	------------------

ارزیابی کرده اند. و در این میان در حدود ۴۹ درصد در وضعیت متوسط قرار داشته‌اند و بر طبق این نتیجه می‌توان گفت که در مجموع میزان احساس عدالت در بین پاسخگویان در حد متوسط رو به پایین است.

نتایج حاصل از توزیع فراوانیها در جدول فوق نشان می‌دهد که در حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان احساس عدالت پایینی داشته‌اند و در مقابل در حدود ۱۱ درصد از احساس عدالت بالایی برخوردار بوده و میزان اجرای عدالت را در جامعه در سطح بالایی

جدول شماره ۲- بررسی درصد فراوانی هر یک از ابعاد سازنده میزان احساس عدالت رویه ای

اولویت	میانگین ^۱	جمع	کاملاً مخالفم	مخالفم	تا حدودی	موافقم	کاملاً موافقم	موارد
۵	2/17	۱۰۰	31/9	33/8	23/6	6	4/7	- در ادارات هر روز قانون عوض نمی‌شود و مردم می‌دانند تکلیف آنها چیست
۴	2/19	۱۰۰	32/2	30/6	24/2	8/6	4/4	- نحوه برخورد کارمندان با مردم در ادارات بر طبق مقررات است.
۳	2/20	۱۰۰	38/7	41	12/5	6/2	1/6	- در جامعه ما همه افراد در مقابل قانون برابرند
۶	1/89	۱۰۰	33	26/2	27	11/7	2/1	- نام و اعتبار افراد ناشی از شایستگی آنهاست
۲	2/22	۱۰۰	30/1	27	24/9	16/4	1/6	- در جامعه ما برای هر کاری برنامه ای تعریف شده است
۱	2/30	۱۰۰	30/9	29/9	24/7	11/9	2/6	- در جامعه ما مردم می‌توانند به آن چیزی که استحقاق آن را دارند، برسند

^۱ در این راستا باید اشاره نمود که؛ گزینه کاملاً موافق نمره ۵ و کاملاً مخالف نمره ۱ دارد. از این رو میانگین بدست آمده نشانگر فاصله بین نمره حداکثر و حداقل و اولویت گویه‌ها به یکدیگر می‌باشد.

درصد پاسخگویان با این نظر موافق بوده و بیان داشته اند که نام و اعتبار افراد ناشی از شایستگی آنهاست و در مقابل ۶۰ درصد با این جمله مخالف بوده اند و ۲۷ درصد نظر بینابین دارند پس در مجموع میزان اعتقاد افراد نسبت به نام ناشی از شایستگی افراد متوسط رو به پایین می باشد

۵- در مورد این جمله "در جامعه ما برای هر کاری برنامه ای تعریف شده است" ۱۸ درصد از افراد معتقدند در جامعه ما برای هر کاری برنامه ای تعریف شده است و در مقابل ۵۸ درصد از افراد به این موضوع اعتقاد ندارند و ۲۴ درصد نظر بینابین دارند. پس در مجموع میزان اعتقاد افراد نسبت تعریف برنامه ای برای هر کاری در جامعه ما در حد متوسط رو به پایین می باشد.

۶- در مورد این جمله که "در جامعه ما مردم می توانند به آن چیزی که استحقاق آن را دارند، برسند"، نتایج نشان می دهد که ۱۵ درصد از پاسخگویان معتقد اند که در جامعه ما مردم می توانند به آن چیزی که استحقاق آن را دارند، برسند، و در مقابل ۶۱ درصد معتقد اند که در جامعه ما مردم نمی توانند به آن چیزی که استحقاق آن را دارند، برسند و ۲۴ درصد از پاسخگویان نظر بینابین دارند. پس در مجموع میزان اعتقاد افراد نسبت به این مطلب که مردم به آنچه استحقاق دارند می رسند متوسط رو به پایین می باشد.

۱- در مورد این جمله که "در ادارات هر روز یک قانون وضع می شود و مردم نمی دانند تکلیف آنها چیست" ۶۶ درصد از پاسخگویان چنین نظری داشته و در مقابل ۱۱ درصد با موضوع فوق مخالف بوده و معتقد اند در ادارات هر روز یک قانون وضع نمی شود و مردم می دانند از قبل می دانند تکلیف آنها چیست و ۲۳ درصد نظر بینابین دارند. پس در مجموع میزان اعتقاد افراد نسبت به تغییرات قانون در ادارات متوسط رو به بالا می باشد.

۲- در مورد جمله "نحوه برخورد کارمندان با مردم در ادارات سلیقه ای است." نتیجه نشان میدهد که ۶۳ درصد معتقد اند که در واقع نحوه برخورد کارمندان با مردم در ادارات سلیقه ای است. و در مقابل ۱۴ درصد از پاسخگویان چنین نظری را ندارند. و در این میان ۲۴ درصد از آنها نظری بینابین داشته اند. پس در مجموع میزان افرادی که به رفتار سلیقه ای کارکنان در ادارات معتقد هستند در حد بالایی می باشد.

۳- در مورد این گویه که "در جامعه ما همه افراد در مقابل قانون برابرند" تنها ۸ درصد پاسخگویان معتقد اند که در جامعه ما همه افراد در مقابل قانون برابرند و در مقابل ۸۰ درصد از پاسخگویان مخالفت خود را با این موضوع نشان داده اند و ۱۲ درصد نظر بینابین داشته اند. پس در مجموع میزان افرادی که به برابری همه مردم در برابر قانون معتقد اند در حد بالا می باشد

۴- در مورد این گویه که "نام و اعتبار افراد ناشی از شایستگی آنهاست"، نتایج بیانگر آن است که ۱۴

جدول شماره ۳- بررسی درصد فراوانی هر یک از ابعاد سازنده میزان احساس عدالت توزیعی

اولویت	میانگین*	جمع	کاملاً مخالفم	مخالفاً	تا حدودی	موافقم	کاملاً موافقم	موارد
۳	2/15	۱۰۰	33/8	30/1	25/5	۷	3/6	- همه مردم به حداقل درآمد برای زندگی آبرومند دسترسی دارند
۱	2/47	۱۰۰	24/7	20/3	39/7	12/2	3/1	- در جامعه ما حق و حقوق قومیت ها رعایت می شود
۶	2/09	۱۰۰	38/2	32/5	14/8	8/8	5/7	- افراد با نفوذ نمی توانند، حق و حقوق افراد دیگر را پایمال کنند
۲	2/16	۱۰۰	42/1	22/1	17/1	12/7	۶	- خطاکارانی که پارتی یا پول دارند، براحتی نمی توانند از دست قانون فرار کنند.
۵	2/11	۱۰۰	37/9	28/3	19/5	10/9	3/4	- در جامعه ما واگذاری شغلها به افراد متناسب با شایستگی (قابلیت) آنهاست.
۴	2/13	۱۰۰	37/1	27/8	22/6	8/1	4/4	- در جامعه ما قانون بصورت یکسان برای همه اجرا می شود.

*در این راستا باید اشاره نمود که؛ کاملاً موافق نمره ۵ و کاملاً مخالف نمره ۱ دارد. از این رو میانگین بدست آمده نشانگر فاصله بین حداکثر و حداقل می باشد

۲- در مورد "در جامعه ما حق و حقوق قومیت ها رعایت می شود" نتیجه نشان میدهد که ۱۵ درصد از افراد معتقد اند در جامعه ما حق و حقوق قومیت ها رعایت می شود و در مقابل ۴۶ درصد از پاسخگویان معتقد اند که در جامعه ما حق و حقوق قومیت ها رعایت نمی شود ۳۹ درصد از پاسخگویان نظر بینابین داشته اند. پس در مجموع میزان اعتقاد افراد نسبت رعایت حق و حقوق قومیت ها در کشورمان در حد متوسط رو به پایین می باشد

۱- در مورد اینکه "همه مردم به حداقل درآمد برای زندگی آبرومند دسترسی دارند" تنها ۱۱ درصد از پاسخگویان موافقت خود را اعلام کرده اند و در مقابل ۶۴ درصد معتقد اند همه مردم به حداقل درآمد برای زندگی آبرومند دسترسی ندارند و ۲۵ درصد نیز نظر بینابین دارند. پس در مجموع میزان اعتقاد افراد نسبت حداقل درآمد مردم برای رسیدن به زندگی آبرومند متوسط رو به پایین می باشد.

به افراد، متناسب به قابلیت هایشان متوسط رو به پایین می باشد

۵- در مورد اینکه "در جامعه ما قانون بصورت یکسان برای همه اجرا می شود" بر طبق نتایج تنها ۱۳ درصد از افراد جامعه معتقد اند که در جامعه ما قانون بصورت یکسان برای همه اجرا می شود. و در مقابل ۶۶ درصد از افراد جامعه معتقد اند در جامعه ما قانون بصورت یکسان برای همه اجرا نمی شود. و در این میان ۲۲ درصد نظر بینابین دارند. پس در مجموع میزان اعتقاد افراد نسبت به اجرای یکسان قانون برای همه اقلتر از حد ضعیف می باشد.

تحلیل رگرسیونی عوامل موثر بر عدالت اجتماعی

لازم به توضیح می باشد که برای سنجش و بررسی عوامل تبیین کننده عدالت اجتماعی از طریق تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره (البته با در نظر گرفتن پیش فرضهای این آزمون) استفاده شد، تا بتوان به ترکیب بهینه عوامل موثر بر عدالت اجتماعی دست یافت.

از مجموع ۶ متغیر معرفی شده، هر ۶ متغیر به خاطر ضریب رگرسیونی و سطح معناداری کمتر از ۰.۵ وارد معادله شدند و به عنوان متغیرهایی بودند که تأثیر مستقیم بر روی احساس عدالت در جامعه آماری مورد مطالعه داشتند: حال در زیر به توضیح و تفسیر مختصر میزان تأثیرگذاری هر یک از این متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق (میزان احساس عدالت) پرداخته می شود.

با توجه به نتایج بدست آمده متغیر "اعتماد به کارایی مسئولین" با ضریب بتای ($\beta = ۰/۵۷$)

۳- در مورد اینکه "افراد با نفوذ نمی توانند، حق و حقوق افراد دیگر را پایمال کنند"، نتایج حاصله نشان می دهد که تنها ۱۵ درصد پاسخگویان معتقد اند که افراد با نفوذ نمی توانند، حق و حقوق افراد دیگر را پایمال کنند و در مقابل ۷۱ درصد از پاسخگویان نظر مخالف با آنها داشته اند و ۱۴ درصد نظر بینابین ارائه داده اند. پس در مجموع میزان اعتقاد افراد نسبت توانایی افراد با نفوذ در پایمال کردن حقوق سایر مردم در کشورمان، در حد متوسط رو به بالا می باشد

۴- در مورد اینکه "خطاکارانی که پارتی یا پول دارند، براحتی از دست قانون فرار می کنند" ۶۴ درصد از پاسخگویان معتقد اند که خطاکاران با پارتی یا پولی که دارند، براحتی از دست قانون فرار می کنند. و در مقابل ۱۹ درصد از افراد با این موضوع مخالف اند و معتقد اند خطاکارانی که پارتی یا پول دارند، براحتی از دست قانون نمی توانند فرار کنند. و ۱۷ درصد از پاسخگویان نظر بینابین دارند پس در مجموع مردم میزان اعتقاد افراد به فرار خطاکاران از دست قانون به وسیله پول یا پارتی در حد متوسط رو به بالا می باشد

۵- در خصوص گویند "در جامعه ما واگذاری شغلها به افراد متناسب با شایستگی (قابلیت) آنهاست". نتایج بیانگر آن است که تنها ۱۴ درصد پاسخگویان معتقدند در جامعه ما واگذاری شغلها به افراد متناسب با شایستگی (قابلیت) آنهاست و در مقابل ۶۷ درصد از افراد مخالف نظر گروه فوق هستند و معتقد اند که در جامعه ما واگذاری شغلها به افراد متناسب با شایستگی (قابلیت) آنها نیست. و ۱۹ درصد نظر بینابین دارند پس در مجموع میزان اعتقاد افراد نسبت به واگذاری مشاغل

(Beta = ۰/۱۰) چهارمین متغیر تأثیر گذار بر احساس عدالت است. بنابراین میزان احساس عدالت در مرحله سوم، وابسته به میزان احساس امنیت است، علامت مثبت ضریب این متغیر نیز نشانگر تأثیر افزایش آن بر روی احساس عدالت است. یعنی هر چه میزان و سطح امنیت در بین افراد جامعه بالا رود، میزان احساس عدالت نیز افزایش می‌یابد. و معنای ۰/۱۰ نیز بدین صورت است که با افزایش یک انحراف معیار در میزان احساس امنیت، میزان احساس عدالت ۱۰ صدم واحد افزایش خواهد یافت.

پنجمین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است متغیر "احساس بیگانگی اجتماعی" می‌باشد، ضریب تأثیر رگرسیونی برابر با (۰/۰۹-) می‌باشد، برطبق این نتیجه می‌توان گفت که متغیر بیگانگی اجتماعی به عنوان یک عامل کاهش دهنده برای احساس برخورداری از عدالت اجتماعی می‌باشد. یعنی با افزایش یک انحراف معیار در میزان احساس بیگانگی، میزان احساس عدالت ۰/۰۹ واحد کاهش خواهد یافت. با توجه به نتایج بدست آمده متغیر "منطقه مسکونی" با ضریب بتای (Beta = -۰/۰۹) دارای رابطه معکوس با عدالت اجتماعی است. با افزایش یک انحراف معیار در منطقه، میزان احساس عدالت ۰/۰۹ واحد کاهش خواهد یافت بنابراین میزان عدالت اجتماعی در بین مردم جنوب شهر پایین تر از مردم شمال شهر می‌باشد.

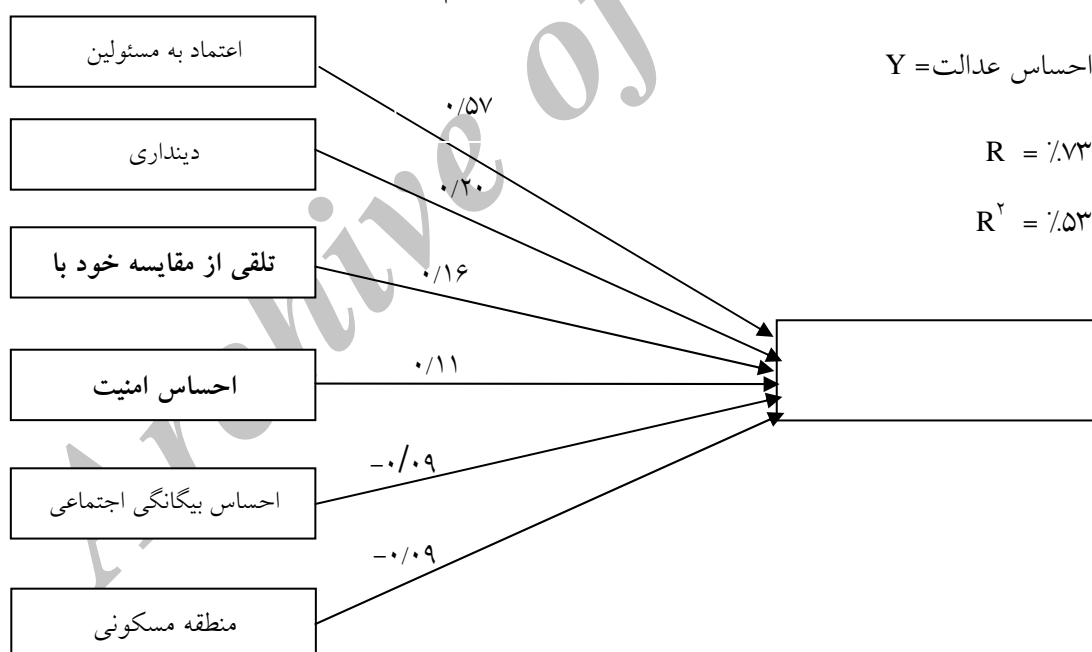
بالترین تأثیر را بر احساس عدالت داشته است. بنابراین میزان احساس عدالت در جامعه در مرحله اول متأثر از میزان اعتماد به کارایی مسئولین می‌باشد. در ضمن علامت مثبت ضریب این متغیر، نشانگر تأثیر افزایش (و مستقیم) آن متغیر "بر میزان اعتماد به کارایی مسئولین" می‌باشد. و معنای ۰/۵۷ نیز بدین صورت است که با افزایش یک انحراف معیار افزایش در میزان "اعتماد به کارایی مسئولین"، میزان احساس عدالت ۵۷ صدم واحد افزایش خواهد یافت. با توجه به نتایج حاصله متغیر "دینداری" با ضریب بتا (Beta = ۰/۲۰) چهارمین متغیر تأثیر گذار بر روی عدالت اجتماعی است. بنابراین میزان عدالت اجتماعی در مرحله چهارم، وابسته به میزان دینداری است. یعنی هر چه میزان دینداری بالا رود، میزان احساس برخورداری از عدالت اجتماعی افزایش می‌یابد. و معنای ۰/۲۰ نیز بدین صورت است که با افزایش یک انحراف معیار افزایش در دینداری افراد، میزان عدالت اجتماعی ۲۰ صدم واحد افزایش خواهد یافت. متغیر "تلقی از مقایسه خود با دیگران" با ضریب بتای (Beta = ۰/۱۶) سومین متغیر تأثیر گذار بر احساس عدالت است. بنابراین میزان احساس عدالت در مرحله دوم، وابسته به تلقی فرد از مقایسه خود با دیگران است، علامت مثبت ضریب این متغیر نیز نشانگر تأثیر افزایش آن بر روی احساس عدالت است.

اما "میزان احساس امنیت" با ضریب بتای

جدول ۴ - نمایش ضریب رگرسیونی هر یک از متغیرهای تحقیق بر روی میزان احساس عدالت

Sig سطح معناداری	T تی تست	Beta بتا (استاندارد شده)	SEB (ضریب خطا)	B بتا (استاندارد نشده)	عنوان متغیر
۰/۰۰۱	۲/۴۵	۰/۱۱	۰/۰۹۱	۰/۲۲۲	احساس امنیت
۰/۰۰۰	۱۱/۸۵۶	۰/۵۷۲	۰/۰۶۰	۰/۷۱۳	اعتماد به کارایی مسئولین
۰/۰۱۴	۲/۴۷۳	۰/۱۹۸	۰/۱۷۶	۰/۲۸۷	دینداری
۰/۰۰۰	۳/۸۶	۰/۱۶۰	۰/۰۹۵	۰/۳۶۶	تلقی از خود در اثر مقایسه دیگران
۰/۰۲۹	-۲/۱۹۶	-۰/۰۹۴	۰/۰۸۹	-۰/۱۹۶	احساس بیگانگی
۰/۰۳۸	-۲/۰۸۴	-۰/۰۸۹	۰/۰۵۰	-۰/۱۰۳	منطقه مسکونی
۰/۰۰۰	۰/۶۷۰	-	۳/۲۲۳	۲/۱۵۸	عدد ثابت (Constant)

مدل شماره ۲- تحلیل میزان تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر احساس عدالت



بحث و نتیجه‌گیری

هر جامعه‌ای را می‌توان اجتماع کم و بیش خودکفا و خودگردانی دانست که در آن روابط افراد، براساس اصول و قوانین مشخص و معینی صورت می‌گیرد. پیروی و اطاعت افراد از این قواعد، نوعی پیوند

پس با توجه به مدل تحلیلی مشخص می‌شود که «متغیرهای اعتماد به کارایی مسئولین، دینداری، تلقی از مقایسه خود با دیگران، احساس امنیت» بالاترین تأثیر را بر احساس عدالت اجتماعی دارند.

در اصل ۴۳ قانون اساسی، تأمین نیازهای اساسی و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه پیش‌بینی شده و در اصل ۲۹ قانون اساسی نیز، برخورداری از تأمین اجتماعی، حق همگانی شناخته شده است. بر این اساس، دولتمردان تلاش زیادی برای توسعه آموزش همگانی و بهداشت و درمان انجام داده است. به واقع که عدالت اجتماعی از طریق تأمین فرصت‌های برابر برای افراد جامعه، توجه به تفاوت استعداد و توانایی‌های محوری و در عین حال توجه به عدالت توزیعی، قابل تحقق است. در ضمن عدالت اجتماعی به معنای تساوی و برابری کامل افراد از نظر شایستگی‌ها و استعدادها نیست. بنابراین بایستی نابرابری در توزیع درآمد براساس تفاوت در استعدادها، سطح سطح تلاش افراد را پذیرفت.

بدین ترتیب برابر دانستن افراد در مقابل قانون، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه در قالب توزیع امکانات و منابع بصورت یکسان می‌تواند زمینه مناسبی را برای تحقق عدالت در جامعه فراهم سازد.

منابع

- ۱- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۴). بررسی و نقد نظریه عدالت جان راولز. کتاب نقد. شماره ۳۷. ۱۳۸۴
- ۲- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۱). عدالت در نظام سیاسی اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه معاصر.
- ۳- بشیریه، حسین (۱۳۷۱) «میزگرد برابری و نابرابری» نامه فرهنگ، ش ۳، سال دوم، ۳۰-۴.
- ۴- تیندر، گلن؛ (1374) تفکر سیاسی؛ محمود صدری، تهران، علمی و فرهنگی،
- ۵- کوئیتن، آنتونی؛ (۱۳۷۱) فلسفه سیاسی؛ مرتضی اسعدی، تهران، هدی،
- ۶- گرب، ادوارد. ج، (۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی؛ محمد سیاهپوش و احمد غروی زاد؛ تهران، معاصر.

اجتماعی را بین آنها فراهم می‌سازد. در نتیجه افراد برای پیشبرد منافع خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند با یکدیگر همکاری می‌کنند. اما با وجود اینکه جامعه بر مبنای منافع همه افراد شکل گرفته است، ولی هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که بین اعضای آن تضادی وجود نداشته باشد. در حالی که همکاری افراد جامعه با یکدیگر امکان آن را فراهم می‌سازد که آنها به منفعی دست پیدا کنند که دسترسی به این منافع برای هیچ یک از آنها به تنهایی امکان‌پذیر نیست. در نتیجه مجموعه‌ای از قواعد و اصول لازم است تا براساس آنها یکی از ترتیبات اجتماعی گوناگونی که چگونگی تقسیم امتیازات را تعیین می‌کند انتخاب شده و در مورد چگونگی توزیع مناسب سهم هر یک از افراد در جامعه، توافق وجود داشته باشد. ما این اصول را عدالت اجتماعی می‌نامیم.

این اصول، روش تعیین حقوق و وظایف را در نهادهای اساسی جامعه تعیین کرده و چگونگی توزیع مناسب منافع و هزینه‌های همکاری اجتماعی را تعیین می‌کند. زمانی می‌توان گفت که جامعه از نظم ایده‌آلی برخوردار است که همه اعضای آن، اصول معینی از عدالت را پذیرفته باشند. در واقع وجود یک مفهوم مشترک از عدالت اجتماعی در بین افرادی که دارای اهداف و مقاصد مختلف هستند، موجب می‌شود تا پیوندهای دوستی بین آنها شکل بگیرد. اگر افراد جامعه، توزیع منابع و امتیازات را عادلانه ارزیابی کنند درک عدالت در میان آنها بالا خواهد بود و جامعه از نظم و ثبات بیشتری برخوردار خواهد گشت.

به هر حال درک از عدالت و به ویژه عدالت اجتماعی با توجه به زمان و مکان و اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم در هر جامعه‌ای از تفاوت‌هایی خاص برخوردار است که در شهر تهران نیز این موضوع مورد تحقیق و مطالعه قرار گرفته است.

- ۱۹- لسناف، مایکل اچ. (۱۳۸۵). فیلسوفان سیاسی قرن بیستم. تهران: نشر ماهی.
- ۲۰- لطیفی، محمود. (۱۳۸۶). مبانی عدالت اجتماعی. حکومت اسلامی، شماره ۳۵.
- ۲۱- محمودی، سید علی. (۱۳۷۶). عدالت و آزادی. تهران. موسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
- ۲۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷) عدل الهی؛ چ دهم؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۳- میرسندسی، سیدمحمد؛ عوامل موثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری)؛ مطالعه موردی شهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی؛ دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۴- مومنی، فرشاد. (۱۳۸۵). ضرورت ژرف‌کاوی در وجوه نظری و اجرایی عدالت. فصلنامه علمی، تخصصی تکاپو، شماره ۱۳ و ۱۴.
- ۲۵- میرسندسی، سید محمد. (۱۳۸۲). مفهوم سازی عدالت فصلنامه مصباح. شماره ۴۶.
- ۲۶- همپتن، جین، (۱۳۸۰)، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، چاپ اول.
- 27- <http://bashgah.net/modules.php?name=Articles&op=show&aid=10836&query=2LnYr9in2YTYq=>
- 28- Kant Immanuel, (1976) Foundations of Metaphysic of Morals, translated by Lewis W. Beck, New York.
- 29- Kymlicka will, (1999) Contemporary Political Philosophy, Clarendon press. Nazick Robert, (1974), Anarchy, State and Utopia, Black well, 1974 Rawls John, (2000) A Theory of Justice, Oxford University Press.
- 30- Rorty Richard, (1990) The Priority of Democracy to Philosophy, Published in Reading Rorty edited by Alan R. Malachowski, Oxford, Blackwell.
- 31- Walzer Michael, (1983), Spheres Justice, Basic Books.
- 32- Steven Lukes, (1991) Essays in social theory, Macmillan, 1978, p 1890.
- ۷- لوکس، استیون؛ (1370) قدرت: فرانسائی یا شرشیطانی؛ فرهنگ رجایی؛ تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۸- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۰). ضرورت توسعه فرهنگ عدالت پذیر برای نیل به جامعه عدل موعود. ماهنامه تدبیر، شماره ۱۶۷.
- ۹- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۰). مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی. دانش مدیریت. شماره ۵۵
- ۱۰- جمشیدی، محمد حسین؛ ۱۳۸۰، ظریه عدالت تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول، ص ۵۸۱.
- ۱۱- شریف زادگان، محمد حسین. (۱۳۸۶) مقاله پژوهشی تحت عنوان "راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی، مجله رفاه شماره ۶(۲۴).
- ۱۲- عریضی سامانی، سید حمید رضا و محسن گل پرور (۱۳۸۴) تحقیقی تحت عنوان رابطه بین رویکردهای عدالت اجتماعی با مولفه های برابری سیاسی، مجله رفاه اجتماعی، (۴۱۶).
- ۱۳- عریضی، حمید رضا (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان رویکردهای عدالت اجتماعی در بین معلمان شهر اصفهان، مجله رفاه اجتماعی، بهار ۱۳۸۳؛ ۴(۱۳).
- ۱۴- غنی نژاد موسی. (۱۳۸۱). درباره هایک. تهران: نگاه معاصر.
- ۱۵- غنی نژاد، موسی. (۱۳۸۰). عدالت، عدالت اجتماعی و اقتصاد. بازتاب اندیشه. شماره ۱۵.
- ۱۶- فضائلی. امیر عباس و حسین محمد علیزاده هنجنی. (۱۳۸۴). عدالت در بخش سلامت از دیدگاه مکاتب اخلاقی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۹.
- ۱۷- قطب، سیدمحمد؛ (1382) عدالت اجتماعی در اسلام، خسروشاهی و گرامی، تهران، انتشار، ۱۳۵۲، چاپ هشتم، ص ۹۲.
- ۱۸- گاران‌دو. میکائیل، (۱۳۸۳). لیبرالیسم در تاریخ اندیشه غرب. تهران: نشر نی.